info@payamdaily.ir
نخستین روزنامه صبح البرز
پیام آشنا
شماره ۲۶۱۷
شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۳
۱ / ربیع الثانی / ۱۴۴۶
05 / October / 2024
صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری  سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۳۸-۳۲۵۴۴۴۴۳-۰۲۶-فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۱۴۴

**امروز با حافظ**

جمالِ یار ندارد نقاب و پـرده ولی
غبـارِ رَه بِنِـشان تا نظر توانی کرد
بیا که چاره ذوقِ حضور و نظمِ اُمور
به فیض‌بخشیِ اهلِ نظر توانی کرد

غزلانه

چنان ز خویش برون آ که از اشاره موج
حباب وار سبک ترک سر توانی کرد

صائب‌تبریزی

افق کرج

**اوقات شرعی**

| اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب |
|---|---|---|---|---|
| ۰۴:۴۰ | ۰۶:۰۵ | ۱۱:۵۵ | ۱۷:۴۲ | ۱۸:۰۰ |

برگه

ذهن شما بسیار قدرتمند است؛ وقتی آن را با افکار مثبت پر کنید، زندگی شما شروع به تغییر خواهد کرد...

ماهاتماگاندی

برش

## بازگشت کارت بازدارندگی روی میز

عملیات موشکی شامگاه سه‌شنبه را عملیات «وعده صادق ۲» نامیدند؛ اما به‌رغم برخی مشابهت و ماندگی و همپوشانی‌ها، این عملیات شاخصه‌های منحصربه‌فردی داشت که می‌توان گفت منجر به خلق پارادایم تازه در معادلات منطقه‌ای و موازنه‌های بین قوای درگیر در منازعات شد.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از هم میهن، هنوز هوا گرگ‌ومیش بود و آسمان به تمامی تن به سیاهی نسپرده بود که شراره‌های آتش سراسر سرزمین‌های اشغالی را در برگرفت و شبی عجیب و متفاوت برای مردمان خاورمیانه رقم خورد؛ گویی که شراره‌های خورشید از شرق دوباره وعده طلوع می‌دهند و قرار نیست دل به تاریکی بسپارند.
یکبار دیگر آرامش شب بر مردمان غرب آسیا، حرام شد؛ اما این‌بار نه برای مردمان مظلوم غزه و بیروت و دمشق که در طلیعه سال تازه عبری، مردانی از سرزمین پارس برای حکمرانان افسارگسیخته و متوهم صهیونیست، شگفتانه‌ای داشتند؛ از جنس صاعقه با پس‌زمینه‌ای از انگاره‌های اساطیری؛ اما این بار از جنس فناوری روز و تکنولوژی که مدعای حکمرانی بی‌چون‌وچرا در آن دارند و بدین واسطه، دهه‌هاست هرآنچه که خواسته‌اند بر مردمان بی‌دفاع منطقه روا داشته‌اند و پاسخگوی هیچ جنایت و اقدام سبوعانه خود نیز نبوده‌اند. اما این‌بار قصه جور دیگری رقم خورد. این بار آنی که می‌خورد، نه پسرک بی‌دفاع غزه بود نه دخترک هاج‌وواج‌مانده لبنانی. همان مردمانی که این بار لنز دوربین‌ها و قاب رسانه‌ها به جای اشک و آه و خون، حرکات موزون و هلهله سرور آنان را روایت کردند. عملیات موشکی شامگاه سه‌شنبه را عملیات «وعده صادق ۲» نامیدند؛ اما به‌رغم برخی مشابهت و ماندگی و همپوشانی‌ها، این عملیات شاخصه‌های منحصربه‌فردی داشت که می‌توان گفت منجر به خلق پارادایم تازه در معادلات منطقه‌ای و موازنه‌های بین قوای درگیر در منازعات شد.
بعد از عملیات وعده صادق که خود بدعت تازه در روند تحولات بود، رژیم اسرائیل با ترور اسماعیل هنیه در تهران، مهمترین دستاورد حمله را مخدوش ساخت و به‌زعم خود آن تکانه مهم را جذب و هضم کرد و به طرف ایرانی پیغام ناتوشته داد که اگر شما قصد ترسیم خطوط تازه در منازعات فی‌مابین را دارید، ما با چنین ترور جسورانه و اقدام پیش‌دستانه‌ای کف موازنه را به سمت و سوی خود ثقیل و سنگین می‌کنیم و قصد خویشتن‌داری و عدول از رویکرد تهاجمی چندده‌ساله را نداریم.
با خویشتن‌داری ایران در پسا این حادثه تروریستی، اسرائیل نه‌تنها فروگذاری در این رویکرد از خود نشان نداد که دمادم بر حجم اقدامات تخریبی و ضدامنیتی خود افزود و دامن آن را به حملات زیرساختی به مهمترین متحد استراتژیک منطقه‌ای ایران نیز گستراند و بالاخره با ترور شهید سیدحسن نصرالله، نشان داد که این خوی اهریمنی و تنازع‌طلبی هیچ حد یقف و ایستایی ندارد.
آنان نیک می‌دانستند که چنین جسارتی از سوی ایران بی‌پاسخ نمی‌ماند؛ اما گمان داشتند که با توجه به انتخابات آمریکا، تغییر دولت تازه در تهران و عدم تمایل ایران به غلتیدن در جنگ تمام‌عیار، پاسخ ایران توأمان با خویشتن‌داری بوده و شاید در نهایت همانند عملیات وعده صادق، ایران به بکارگیری توانمندی‌های روزآمد و ادعاهایش در دستیابی به تکنولوژی نسل سوم و استفاده عملیاتی در حد وسیع آن را نداشته باشد و از اصل غافلگیری همانند حمله به عین‌الاسد و عملیات وعده صادق بهره‌نگیرد.
نکته آنکه آنان دچار یک اشتباه محاسباتی بزرگ دیگر نیز شده بودند و خیال می‌کردند که این اعلام‌های قبلی در راستای رویکرد نمادین و تبلیغاتی است و عدم تلفات انسانی را هم دال بر همان ایده می‌گرفتند و گمان داشتند که برای پرهیز از ورود به جنگ تمام‌عیار است، که عملیات‌ها با اعلام قبلی و بدون تلفات انسانی انجام می‌گیرد و در شرایط خاص منطقه‌ای و جهانی، اکنون به توان مضاعف چنین موضوعی صدق می‌کند و ایران دست به ریسک بزرگ نخواهد زد؛ به‌خصوص که نتانیاهو نیز در گزافه‌گویی خود از امکان دستیابی به هر نقطه در ایران گفته و این ریسک را دوچندان خاطرنشان کرده بود.
جمهوری اسلامی ایران، البته در این عملیات با هنرمندی و ظرافت خاصی هم آن مقصود عدم تمایل به جنگ‌افروزی را گوشزد کرد هم با استفاده از اصل غافلگیری عملیات بی‌سابقه خود را به اجرا درآورد و هم بازدارندگی را دوباره و با ضریب بسیار فزون‌تری روی میز معادلات منطقه‌ای گذاشت و نشان داد که طرف اسرائیلی هم در خصوص عزم و اراده طرف ایرانی، هم در تحلیل توانمندی اطلاعاتی و امنیتی و تکنولوژی تسلیحاتی آن دچار اشتباه محاسباتی بزرگ‌شده است. این بار فاصله اخطاردهی حامی آمریکایی به طرف اسرائیلی تا رسیدن موشک‌های ایرانی نه‌تنها به یکساعت نرسید که تنها چند دقیقه و لحظه بعد از به صدا درآمدن آژیر خطر، شاهد اصابت موشک‌های نقطه‌زن و بالستیک ایرانی به اهداف تعیین‌شده نظامی رژیم بودیم.
طرفه آنکه درحالی که پنتاگون به اسرائیل پیغام داده بود که آماده حملات ایران طی ۱۲ تا ۲۴ ساعت آینده باشد و رسانه‌های عربی به شکل زنده مشغول پخش عملیات استشهادی در تل‌آویو بودند و از طرف دیگر، تلویزیون‌های منطقه از حمله موشکی حزب‌الله به تل‌آویو گفته و مشغول پخش تصاویر آسمان تل‌آویو بودند؛ به یکباره انفجارهای مهیب و متواتر و پی‌درپی در عمق سرزمینی رژیم روی صفحه تلویزیون‌ها به نمایش درآمد و تا پیش از اعلام خبر صدور بیانیه سپاه هنوز کسی نمی‌دانست که منبع این انفجارها از کجاست!
ایران با به‌کارگیری سه مدل از موشک‌های بالستیک و هایپرسونیک خود که برای رسیدن به تل‌آویو با سرعت ۹ ماخ ۱۲ دقیقه بیشتر زمان نمی‌خواستند، هم اصل غافلگیری را به انجام رساند و هم نشان داد که افسانه گنبد آهنین در برابر نسل تازه موشک‌های ایرانی شوخی‌ای بیش نیست و هم با هدف‌گیری دقیق اهداف نظامی و نه زیرساختی منجر به تلفات انسانی، پیام داد که تمایلی به افزایش تنش و جنگ ندارد و درعین‌حال، توانایی بسط و توسعه آن را دارد و این چیزی نیست جز نقد شدن کارت اصل بازدارندگی در جیب ایران.

**رضا رئیسی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی**

گزارش روز

# آیا دشمنی ایران با صهیونیست‌ها فقط ویژه چهل‌وچند سال اخیر در جمهوری اسلامی است؟

در بحبوحه موشکباران تل‌آویو و در حالی که پس‌لرزه‌های ماجرا هنوز ادامه دارد بیایید مثل خیلی از تحلیلگران و کارشناسان شبکه‌های آن طرف آب و فضای مجازی، بنا را بر این بگذاریم که دشمنی ایرانیان با صهیونیست‌ها و برعکس و همچنین جنگی که دارد بالا می‌گیرد، مختص به همین چهل و چند سال اخیر و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی است.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از قدس، در بحبوحه موشکباران تل‌آویو و در حالی که پس‌لرزه‌های ماجرا هنوز ادامه دارد بیایید مثل خیلی از تحلیلگران و کارشناسان شبکه‌های آن طرف آب و فضای مجازی، بنا را بر این بگذاریم که دشمنی ایرانیان با صهیونیست‌ها و برعکس و همچنین جنگی که دارد بالا می‌گیرد، مختص به همین چهل و چند سال اخیر و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی است.
در این صورت و بازهم مثل کارشناسانی که بالاتر گفتیم، می‌توانیم استدلال کنیم همه ناآرامی‌های منطقه و وحشی‌گری‌های اسرائیل، ریشه در رفتار جمهوری اسلامی و حمایتش از فلسطین و محور مقاومت دارد وگرنه مردم ایران و ساکنان صهیونیستی سرزمین‌های اشغالی اصلاً مشکلی با هم ندارند!

### ۷۷ سال پیش

کمترین مشکل تحلیلی که بالاتر گفتیم این است که تلاش دارد جنایت‌های بی‌سابقه و اخیر صهیونیست‌ها در غزه و لبنان را به حساب دفاع مشروع از خود بگذارد. ساده‌ترش می‌شود اینکه شما در حالی که نمی‌توانید چشمتان را روی نسل‌کشی و وحشی‌گری و تروریسم دولتی اسرائیل ببندید و توی دلتان به آن معترفید، اما به زبان اصرار کنید که: به هرحال ایرانی‌ها هم مقصرند که طی چهل و چند سال اخیر، سعی کرده‌اند توسط فلسطینی‌ها و بعد هم محور مقاومت در لبنان، عراق، سوریه و... اسرائیل را تحت فشار بگذارند! البته حتی یک نگاه مختصر هم به حداقل ۷۷ سال گذشته نشان می‌دهد پیش از شکل‌گیری جمهوری اسلامی در ایران و با اتفاق نامبارک پیدایش رژیم صهیونیستی، ایرانی‌ها از در مخالفت با آن درآمدند. مثلاً کمی پس از واقعه «یوم‌النکبة» که در آن اسرائیل اعلام موجودیت کرد، آیت‌الله کاشانی با راه انداختن راهپیمایی علیه این اتفاق موضع‌گیری کرد. امام(ره) هم که می‌دانید در سخنرانی ۱۳خرداد سال ۱۳۴۲ چطور پته اسرائیلی‌ها و شاه را که از در اتحاد درآمده بودند روی آب ریخت. امام(ره) آن روزها بعد از تاختن به شاه گفته بود: «اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت دانشمند باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علمای دین باشند... مسئله اصلی آن است که رژیم صهیونیستی یعنی وجود جریان سلطه در منطقه ... اینکه ایده اسرائیل بزرگ (از بحر تا نهر) هم از بُعد ژئوپلیتیکی امری خطرناک برای مردمان منطقه است و برخورد با آن ضروری...». شهید مطهری حدود ۱۰ سال پیش از شکل‌گیری جمهوری اسلامی گفته بود: «هدف مگر تنها همین است که یک دولت کوچکی در آنجا تشکیل بشود؟ خیلی اشتباه می‌کنیم! او می‌داند که یک دولت کوچک بالاخره نمی‌تواند در آنجا زندگی بکند. یک اسرائیل بزرگ [لازم است که] دامنه‌اش تا ایران خودمان هم شاید کشیده بشود».

### دوران گل و بلبل

اصلا واقعیت عینی‌تر این است که حتی پیش از آنچه بالاتر گفتیم و زمانی که اندیشه‌های صهیونیستی تازه داشت شکل می‌گرفت و فقط حرف از تشکیل یک کشور برای یهودیان در قلب سرزمین‌های اسلامی وسط آمده بود، خیلی از علمای ایرانی و غیرایرانی مسلمان در گوشه و کنار دنیا با راه‌اندازی «خانه ملی یهودیان»، «آژانس یهود» و تشکیلاتی که انگلیسی‌ها به وسیله آن‌ها داشتند مقدمات قدرت گرفتن صهیونیسم را فراهم می‌کردند از در مخالفت درآمدند. یعنی ماجرای مخالفت و دشمنی با صهیونیسم چیزی نیست که بشود آن را مثل تحلیل‌های رندانه کارشناسان بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال، سی‌ان‌ان و حتی برخی کارشناسان و تحلیلگران داخل کشور، به سیاست‌های جمهوری اسلامی ربط داد. جوری که شما پس از شنیدن یا خواندن برخی از این تحلیل‌ها ممکن است یقین کنید اگر ایران امروز دست از مخالفت با جنایت‌های اسرائیل بردارد، از همین فردا، اسرائیلی‌ها هم در خیلی از سیاست‌هایشان تجدیدنظر می‌کنند، کشت و کشتار در خاورمیانه تمام می‌شود، دانشمندان هسته‌ای‌مان دیگر ترور نمی‌شوند، برجام احیا شده و... همه چیز گل و بلبل می‌شود!
البته چنین وضعیت گل و بلبلی را می‌شود برای دوره‌ای در روابط دیپلماتیک ایران و رژیم صهیونیستی دید. روابط سیاسی و اقتصادی حکومت ایران با اسرائیل در زمان محمدرضا پهلوی بنا به توصیه آمریکا تا حدی صمیمانه بود که برخی حامیان آن زمان فلسطین در کشورهای عربی، سیاستمداران ایرانی را «اخوان الیهود» لقب داده بودند. این البته معنی‌اش این نبود که اسرائیلی‌ها در میان مردم کوچه و بازار ایران هم محبوبیت و مشروعیت دارند.

### افسانه یا واقعیت؟

سیاستمداران صهیونیست و جریان‌های رسانه‌ای که به نفع آن‌ها کار می‌کنند خیلی بهتر از من و شما پیشینه روابط و یا دشمنی مردم ایران با خودشان را می‌دانند. برای همین سعی دارند روحیه ضدصهیونیستی مردم ایران را ربط بدهند به یهودی‌ستیزی و برای آن تاریخچه مفصلی هم بتراشند. واقعیت این است که خود ما ایرانی‌ها هم برای دشمنی با صهیونیسم، تاریخچه‌ای حداقل ۲هزارو۵۰۰ ساله داریم! منتها این دشمنی را نمی‌شود یهودی‌ستیزی به مفهوم هولوکاستی که امروز آمریکا و اسرائیل آن را در بوق و کرنا می‌کنند و هر ضدیت با صهیونیسم در جهان را به آن ربط می‌دهند، به حساب آورد.
ایرانی‌ها بنا به اسناد تاریخی از دوران خشایارشاه با یهودیانی که فراتر از دین و مسلکشان، باندهای سیاسی و اجتماعی قدرت تشکیل می‌دادند و دست به جنایت علیه بشریت به مفهوم تاریخی‌اش می‌زدند، از در دشمنی درآمدند. ماجرای «استر» همسر یهودی خشایارشاه که به صورت‌های مختلف در تاریخ آمده و حتی درباره آن افسانه‌پردازی زیادی هم شده است را می‌دانید؟
برخی از نوشته‌های تاریخی می‌گویند یهودیان آن زمان که در واقع بازماندگان اقوامی بودند که به دست کوروش از تبعید و اسارت بابلیان نجات پیدا کرده، به مرور قصد داشتند در حلقه‌های قدرت و سلطنت ایرانیان نفوذ کنند. گویا هامان، وزیر خشایارشاه از در مخالفت با آن‌ها درآمده و قصد دستگیری و کشتن سرانشان را دارد. همزمان شاه، ملکه‌اش را طلاق داده و این فرصتی می‌شود برای عموی «استر» جوان تا برادرزاده اش را به عنوان همسر تقدیم خشایارشاه کند. همین دخترجوان با نفوذ در شاه، او را علیه هامان می‌شوراند و درنهایت کار به دستگیری هامان و کشتن خودش و ایل و تبارش می‌انجامد. این پایان کار نیست و به قول کتاب‌های قدیمی یهودیان متعصب، باندهای سیاسی یهودیت چیزی نزدیک به ۷۷هزار ایرانی را قتل عام می‌کنند!
صرف‌نظر از اینکه چقدر از اعداد و ارقام ذکر شده در کتاب‌های عهد عتیق به بعد در مورد این ماجرا درست باشد و یا اینکه این کشتار در ایران یا سرزمین دیگری شکل گرفته باشد، صهیونیست‌ها (نه همه یهودیان) سال‌های سال است که در این باره افسانه‌پردازی کرده، آن را مصداقی از یهودی‌ستیزی ایرانی‌ها معرفی کرده و حتی جشن سالانه کشتار ایرانی‌ها (پوریم) را هم برگزار می‌کنند. نتیجه اینکه حداقل خود صهیونیست‌ها قبول دارند که دشمنی میان ایرانی‌ها با صهیونیسم ریشه تاریخی دارد. بنابراین خدا می‌داند تحلیلگران شبکه‌ای و برخی روشنفکرنماهای داخلی و خارجی چرا منکر این ریشه‌ها شده و سعی دارند همه چیز را به سیاست‌های جمهوری اسلامی ربط دهند.

اشاره

# سنجشی که به کمک آموزش نیاید، مفت گران است!

معدل پایین دانش‌آموزان در امتحانات نهایی امسال برای بار دیگر انتقاداتی را نسبت به کیفیت آموزش در مدارس کشور و عملکرد وزارت آموزش و پرورش به همراه داشت.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از جوان آنلاین، اگر نتیجه امتحانات نهایی به جای دانش‌آموز، مدارس را مردود می‌کرد، امروز شاهد این حجم از کاستی در آموزش نبودیم. متأسفانه، اما نمره امتحانات نهایی مستقیماً در کارنامه دانش‌آموز ثبت می‌شود، حال آنکه او تنها قسمتی از این ناکامی را به گردن دارد و سهم عمده‌ای که به نحوه آموزش برمی‌گردد، نادیده گرفته می‌شود!
معدل پایین دانش‌آموزان در امتحانات نهایی امسال برای بار دیگر انتقاداتی را نسبت به کیفیت آموزش در مدارس کشور و عملکرد وزارت آموزش و پرورش به همراه داشت. برخی از نبود آموزش کیفی در همه مدارس گلایه کردند و برخی دیگر دشواری و غیراستاندارد بودن سؤالات امتحانات نهایی را دلیل معدل پایین دانش‌آموزان می‌دانستند، چراکه حتی دانش‌آموزان درسخوان هم نتوانسته بودند از عهده پاسخ به سؤالات طرح شده در این امتحانات بربیایند و با افت معدل چند نمره‌ای مواجه شدند. البته مسئولان مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش مدعی شدند که طراحی سؤالات امتحانات نهایی استاندارد است و درصد سؤالات دشوار در امتحانات نهایی پایه دوازدهم تا سقف ۲۰ درصد و در پایه‌های دهم و یازدهم کمتر است، اما کمتر دانش‌آموزی پیدا می‌شود که این ادعا را تأیید کند. البته که نتایج امتحانات نیز گواهی بر تأیید حرف‌های دانش‌آموزان است و آنچه مسئولان می‌گویند را رد می‌کند.
کنکور تا سال ۱۴۰۵ تغییر نمی‌کند، این را روز گذشته شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرده و در اطلاعیه خود نوشته‌است: «بر اساس تبصره ۱ ماده ۲ مصوبه سنجش و پذیرش، هرگونه تغییر در شیوه سنجش و پذیرش داوطلبان ورود به آموزش عالی نیازمند اطلاع‌رسانی پیش از پایان شهریور هر سال است. بنابراین محققاً هیچ‌گونه تغییری در نحوه برگزاری امتحانات نهایی و آزمون تخصصی در سال ۱۴۰۴ ایجاد نخواهد شد و همچنان، مصوبه مذکور تعیین‌کننده چارچوب سنجش و پذیرش خواهد بود» در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده‌است: «هرگونه تغییر احتمالی تنها از سال ۱۴۰۵ به بعد قابل اجرا خواهد بود و در زمان مقتضی به اطلاع عموم نیز خواهد رسید».

### باید به سمت حذف خودآگاه کنکور برویم

در این رابطه حمید رفیعی، پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت به «جوان» می‌گوید: «برگزاری امتحان نهایی یعنی امتحان منسجم و مرتبی که بتواند وضعیت و شاخص‌های نظام آموزشی کشور را تعیین کند، امر غلطی نیست، اصلا ما باید سمت ارزیابی‌های هماهنگی برویم تا بتوانیم تشخیص دهیم عملکردها در مدارس به چه نحوی است، اما پیوند دادن امتحان نهایی به کنکور و ورود متقاضیان به دانشگاه، عملاً باعث می‌شود که محصلان گرایش بیشتری به درس خواندن برای امتحان دادن پیدا کنند و این اصلا خوب نیست، چراکه ما قائل به این هستیم آموزش باید برای یادگیری «زندگی کردن» باشد و مدرسه تبدیل به جایی برای تربیت و زیست آگاهانه و عالمانه دانش‌آموزان شود تا آن‌ها از حضور در این مکان آموزشی، لذت ببرند و از فرصتی که آنجا هستند، استفاده کنند، اما متأسفانه «کنکور» و «امتحان نهایی» عامل ذبح این اتفاق شده‌اند».
او ادامه می‌دهد: «ما باید به این سمت برویم که دانش‌آموز بفهمد قرار نیست بسیاری از الزامات زندگی‌اش را از طریق کنکور و رفتن به دانشگاه رفع کند، بلکه عملاً استعداد او در جای دیگری نیز می‌تواند شکوفا شود. یعنی باید بتوانیم با اصلاح گرایش‌ها و رفتارهای آگاهانه در دانش‌آموزان (مبتنی بر واقعیت و نه احساسات و القائات غلط جامعه)، او را به سمت گرایش خودش سوق دهیم و عملاً کم‌کم به سمت بی‌اعتبار شدن و حذف خودآگاه کنکور در ذهن مخاطب قدم برداریم. در واقع باید دوره متوسطه را به درگاهی برای آموزش برای زندگی بهتر تبدیل کنیم، اما متأسفانه در حال حاضر خلاف این کار، انجام می‌شود».
پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت با انتقاد از تأثیر نمرات امتحان نهایی در نتیجه کنکور اظهار می‌دارد: «این روند پیش‌آمده، نه‌تن‌ها دانش‌آموزان را به سمت ساخت زندگی بهتر سوق نداده بلکه حتی فرصت سه ساله دوره متوسطه را به‌طور کامل از آن‌ها گرفته، موضوعی که آسیب‌های جدی را برای «تربیت» در نظام تعلیم و تربیت و اصل آموزش عمومی وارد کرده‌است. به نظر می‌رسد اگر جلوی این کار گرفته نشود و البته خدایگانی کنکور هم شکسته نشود ما دچار چالش جدی خواهیم شد».

### از بین رفتن فرصت‌های تربیتی و یادگیری

رفیعی می‌گوید: «متأسفانه جریانی که امتحانات نهایی را نقد می‌کند و همچنین جریانی که نبود امتحانات نهایی را زیر سؤال می‌برد، هیچ‌کدام از این دو جریان نگاهی را که به نفع دانش‌آموز باشد، ندارند و هر دوی آن‌ها منافع خودشان را درنظر می‌گیرند. یک جریان به علت اینکه مثلا بعضی از کتب درسی خوانده نمی‌شده، به دنبال این است که بستر کلاس‌های خودش را فراهم کند و گروه دیگر نیز به دنبال فوت کنکور و برگزاری آزمون‌های خودشان هستند».
اما در این رابطه چه کاری باید کرد؟ این پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت در این رابطه تصریح می‌کند: «کم‌کم باید به این سمت حرکت کنیم که اغلب رشته‌های مهم توسط دانش‌آموز انتخاب شود و با توجه به شرایط تحصیلی، کارنامه زیستی، نظر معلم، تجربیاتی که کسب کرده و فرصت‌هایی تربیتی و یادگیری که داشته، به آن سمت و سویی که باید برود و بدون برگزاری آزمونی برای سنجش و رقابت رسیدن به کرسی‌های دانشگاهی، آموزش‌های لازم به او داده شود و صرفاً برخی از رشته‌ها مثل «پزشکی» که امکان این کار برایش وجود ندارد، درگیر چنین آزمون‌هایی شود و دانش‌آموزان در این آزمون با سایر متقاضیان به رقابت بپردازد».

### نقد جدی به شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی

یک بحث درباره آموزش و ارتقای کیفیت آن وجود دارد و بحث دیگری نیز درباره سنجش و ارزیابی دانش‌آموزان؛ به نظر می‌رسد به قدری غرق در نوع سنجش شده‌ایم که اصلاً به این فکر نمی‌کنیم نحوه آموزش در مدارس چگونه باید انجام شود؛ موضوعی که آقای رفیعی نیز بدان اشاره می‌کند و می‌گوید: «سنجشی که به کمک آموزش نیاید مفت گران است؛ یعنی عملاً داریم سنجش می‌کنیم و دانش‌آموزان را به رقابتی وامی‌داریم که اصلا آموزش آن درست نیست و پایه‌اش اشتباه است. این کار تربیت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد».
او ادامه می‌دهد: «امروز در جامعه ما، فرهنگ کار بی‌ارزش شده‌است، فردی که می‌تواند متخصص حوزه مکانیک باشد و در این حوزه درآمد بسیار بالایی نیز داشته باشد به دلیل تلقی غلط جامعه و بی‌ارزش دانستن این کار، حاضر به رفتن به این رشته نمی‌شود. این فرهنگ غلط باید اصلاح شود، در غیر این صورت هر چقدر بر سر درصدبندی کنکور و امتحانات نهایی، بحث و جدل شود، هیچ سودی برای آموزش و پرورش کشور ندارد».
پژوهشگر حوزه تعلیم و تربیت تصریح می‌کند: «یک نقد جدی به شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی وارد است که بازیچه دست عده‌ای شدند که هر کدام بنا بر مصلحت خودشان، حرف می‌زنند. در صورتی که آن‌ها باید بر پایه‌های تربیتی صحبت کنند و به حل مسئله به طور دقیق بپردازند، نه اینکه هر روز با یک موضوع بسیار سطحی، زمین بازی درست کنند که منجر به دغدغه و بلاتکلیفی دانش‌آموزان و خانواده‌ها شود».
او در پایان تأکید می‌کند: «تصمیمات جدید یکسری بودجه نیاز داشت که نتوانستند آن را تأمین کنند، از طرفی کیفیت برگزاری امتحانات مطلوب نبود، و از همه مهم‌تر دستگاه تعلیم و تربیت کشور را که وظیفه تربیت جمعیت بالای دانش‌آموزی را دارد چهار ماه درگیر کار پیچیده و سنگین کردند که به صورت جدی اثرگذاری نداشته است. به نظر می‌آید این روند را باید تغییر داد. در این زمینه رسانه باید مطالبه جدی کند، چراکه اگر رسانه‌ها حل شدن داستان کنکور را شفاف کنند آن وقت می‌توان در رابطه با راهبرد میان‌مدت برای تحقق مسیر پیش‌رو تعیین تکلیف کرد و به جمع‌بندی مناسبی رسید».

دیدگاه

# اکتبر را فراموش نکن!

عملیات «وعده صادق۲» در حالی در شامگاه نخستین روز اکتبر رقم خورد که هنوز کابوس ۷ اکتبر سال گذشته برای اشغالگران پایان نیافته است. آنها پس از ۷ دهه تقلا برای تثبیت باور شکست‌ناپذیری و نفوذناپذیری خود، سنگین‌ترین ضربه نظامی تاریخ جعلی خود را از جایی خوردند که انتظارش را نداشتند. پارتیزان‌های تربیت‌شده در امنیتی‌ترین زندان روباز جهان یعنی باریکه ۴۰ کیلومتری غزه مقدمات عملیاتی را چیدند که تا ساعت‌ها پس از وقوعش کمتر کسی واقعیت داشتنش را باور می‌کرد.

**به گزارش پیام آشنا** به نقل از وطن امروز، ۱- کمتر از زمان استراحت بین ۲ نیمه یک مسابقه فوتبال زمان برد؛ شاید این جمله کوتاه را بعدها درباره مطلع اکتبر ۲۰۲۴ در کتاب‌ها بنویسند و پس از آن بگویند چگونه در یکی از پرتلاطم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین روزهای تاریخ غرب آسیا، سرنوشت جنگ با یک هنرنمایی ایرانی در آسمان ارض اشغال‌شده جهت دیگری یافت. عملیات «وعده صادق۲» و نفوذ کهکشانی از موشک‌های فراصوت ایرانی که به شکل سریالی از گنبد چندلایه پدافندی اسرائیل عبور کرد، از سرنوشت‌سازترین صحنه‌هایی بود که ایرانیان به صورت زنده به تماشایش نشستند. هرچند نفوذ، دقت و انفجار این موشک‌ها آینده را از پس پرده رازآلود خود خارج نکرده و هنوز می‌توان از هر احتمالی سخن گفت اما آنچه دیگر برچسب احتمال ندارد، بی‌اعتباری فرضیه نفوذناپذیری گنبدآهنین اسرائیل در برابر اراده ایران به آغاز نبرد است. این لحظات را می‌توان نقاط عطف در هر صحنه جنگ و نزاعی دانست، حوادثی که روایت‌ساز می‌شوند و یک روایت تثبیت‌شده را بی‌اعتبار می‌کنند. با این حال اگر قرار بود صهیونیست‌ها خود انتخاب کنند که در چه ماهی از سال قاب عریانی پادشاهی‌شان ثبت شود، آخرین گزینه‌شان «اکتبر» بود؛ ماهی که حالا هر بار آن را مرور می‌کنند یاد خاطرات جدیدی می‌افتند.
۲- عملیات «وعده صادق۲» در حالی در شامگاه نخستین روز اکتبر رقم خورد که هنوز کابوس ۷ اکتبر سال گذشته برای اشغالگران پایان نیافته است. آنها پس از ۷ دهه تقلا برای تثبیت باور شکست‌ناپذیری و نفوذناپذیری خود، سنگین‌ترین ضربه نظامی تاریخ جعلی خود را از جایی خوردند که انتظارش را نداشتند. پارتیزان‌های تربیت‌شده در امنیتی‌ترین زندان روباز جهان یعنی باریکه ۴۰ کیلومتری غزه مقدمات عملیاتی را چیدند که تا ساعت‌ها پس از وقوعش کمتر کسی واقعیت داشتنش را باور می‌کرد. عبور از چند لایه حفاظ امنیتی و نفوذ به اراضی اشغالی و سرانجام وارد کردن صدها تلفات جانی به صهیونیست‌ها و به اسارت گرفتن چند صد نفر از آنها کابوسی بود که اسرائیل برای رسوخ نکردن آن به تخیل مردم منطقه سال‌ها تلاش کرده بود. ضربه ترمیم‌ناپذیر مقاومت فلسطین به رژیم صهیونیستی تصویر اقتدار آنها را چنان مخدوش کرد که یک سال جنایت بی‌وقفه و ارتکاب کلکسیونی از جنایت‌های جنگی نیز نتوانسته چهره مخدوش شده آنها را به پیش از ۷ اکتبر برگرداند. هر چند میان اکتبر ۲۰۲۳ تا اکتبر ۲۰۲۴ کوهی از جسم‌های بی‌جان قربانی نسل‌کشی در غزه، کرانه باختری و لبنان تلنبار شده است و جنون کودک‌کشی صهیونیست به دنبال ایجاد یک ارعاب جمعی برای منصرف کردن هر گروهی از مقاومت به تکرار این عملیات است اما این جنایات نه‌تنها مقاومت را محدود نکرده که گستره عمل آن به عراق و یمن نیز رسیده است. از همین منظر «وعده صادق۲» در پس نخستین عملیات «وعده صادق» یکی دیگر از تصاویری را که صهیونیست‌ها سال‌ها برای تثبیتش تلاش کرده بودند مخدوش کرد. میلیاردها دلار هزینه و سال‌ها تبلیغات برای ایجاد این باور که آسمان اراضی اشغالی نفوذناپذیر است تنها در چند دقیقه و با رقص و نورافشانی موشک‌های ایرانی چنان بی‌اعتبار شد که دیگر کسی این افسانه را باور نخواهد کرد. اگر اکتبر ۲۰۲۳ نشانی برای سقوط زمین صهیونیست‌ها و تزلزل آنها در برابر عملیات مقاومت بود، اکتبر ۲۰۲۴ را باید با بی‌حیثیت شدن سامانه گنبد آهنین به خاطر آورد.
۳- یکی دیگر از شباهت‌های اکتبر ۲۰۲۴ با اکتبر ۲۰۲۳ تعریف موازنه جدیدی است که صهیونیست‌ها را از خواب‌های‌شان برای ایجاد منطقه جدید بیدار کرد. یک سال قبل و در چنین روزهایی بود که نتانیاهو با نشان دادن نقشه تمام فلسطینی با پرچم اسرائیلی در سازمان ملل (و ریشخند به مرزهای ۱۹۶۷) خبر از آغاز عصر جدید روابط میان اشغالگران با جهان عرب داد. او مکرراً از تعریف ژئوپلیتیک جدیدی در منطقه سخن می‌گفت که اراضی اشغالی را به محور کریدور جدید اقتصادی برای پیوند میان آسیا و اروپا تبدیل می‌کرد. ضربه کاری ۷ اکتبر نه تنها صهیونیست‌ها را به اغما فرو برد که این رژیم را نیز درگیر زنجیره‌ای از بحران‌های وجودی کرد که حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت تمام نقشه‌هایش برای شکل‌دهی به یک نقش جغرافیایی جدید را از بین برد؛ مساله‌ای که در اکتبر ۲۰۲۴ نیز به شکل جدیدی تکرار شد. صهیونیست‌ها و شخص نتانیاهو پس از انجام دادن سلسله‌ای از عملیات‌های تروریستی در لبنان و نهایتا ترور شهید سیدحسن نصرالله از شروع یک نظم جدید برای منطقه سخن گفتند؛ نظمی که ناظم و طراح آن صهیونیست‌ها خواهند بود. باور به اینکه با حذف رهبران حزب‌الله امکان مهار مهم‌ترین گروه مقاومت فراهم می‌شود و پس از آن ایران را وارد یک فضای جنگی می‌کند. طرح ادعاهایی همچون رسیدن به زمان مناسب برای حمله به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران در این فضا مطرح می‌شد. عملیات «وعده صادق۲» اما موازنه را به یکباره تغییر داد و امنیت شیشه‌ای رژیم را بیش از پیش برای ساکنان اراضی اشغالی عینیت بخشید. از همین جهت اکتبر ۲۰۲۴ موازنه و نقشه راه صهیونیست‌ها را بیشتر از اکتبر ۲۰۲۳ تغییر داد. آنها هیچ‌وقت اکتبر را فراموش نمی‌کنند!

**محمد مسلح‌شور**